



داخل کشور خواهد شد و در آینده نزدیک سرمایه‌ها و نیروهای به‌کارگرفته شده در مقوله تولید ماسک آسیب جدی و غیر قابل جبرانی خواهند دید. حسن‌پور در پایان از وزارت صمت خواسته برای حمایت از تولید داخلی و جلوگیری از قاچاق، دستور فوری و قاطع صادر شود. / ایسنا

از بندر گناوه و سایر بنادر کشور، ماسک‌های چینی به صورت قاچاق وارد کشور شده و از طریق کانال‌های تلگرامی و صفحات اینستاگرام و سایر روش‌ها در تهران و برخی دیگر از استان‌ها به‌ویژه استان‌های جنوبی کشور به وفور به فروش می‌رسد، وی همچنین هشدار داده که این روند منجر به شکست تولیدی‌های ماسک در

جولان ماسک‌های چینی در بازار

عضو هیات عالی نظارت بر سازمان‌های صنفی نسبت به قاچاق ماسک چینی به کشور و آسیب این روند به واحدهای تولید ماسک به وزارت صمت هشدار داد. غلامرضا حسن‌پور اسکندری طی نامه‌ای به علیرضا رزم حسینی، وزیر صنعت، معدن و تجارت گفته که بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد از مبادی ورودی کشور به‌ویژه

مهدی غضنفری، وزیر اسبق صمت در گفت‌وگو با جام‌جم:

منابع و درآمدهای ارزی پاشنه آشیل بودجه است



عکس: داغ پارس

🔗 **تقدیم** لایحه‌بودجه سال ۱۴۰۰ در هفته‌های گذشته اظهارات و تحلیل‌های مختلفی را در پی داشت. تحلیل‌هایی که عمدتاً در موضوعاتی چون تشکیک در تحقق منابع پیش بینی شده، عدم شفافیت درآمد و هزینه شرکت‌های دولتی، ابهام و بیاتکنیفی موضوعاتی چون ارز ترجیحی و نرخ ارز پایه در سال آینده و..... را می‌توان وجه مشترک عمده تحلیل‌ها و نظرات مطرح شده در این مدت دانست. جام‌جم در گفت‌وگویی با دکتر مهدی غضنفری، وزیر اسبق صمت که در دوران وزارت او تحریم‌های اولیه بر اقتصاد ایران تحمیل شد به بررسی لایحه‌بودجه ۱۴۰۰ و نقش تحریم‌ها بر افزایش قیمت کالا و خدمات در یک‌سال اخیر پرداخته است.



میثم مهرپور

دبیر گروه اقتصاد

🔗 **ابتدا اگر ممکن است یک تحلیل کلی از لوابج بودجه سالانه در اقتصاد ایران ارائه فرمایید.**

بودجه‌های سالانه ما از دو بعد کارایی و اثر بخشی قابل نقد و بررسی است. کارایی یعنی این‌که تحقق منابعی که در بودجه از آنها با عنوان منابع درآمدی یاد می‌کنیم با چه اطمینانی حاصل شده و تأمین این منابع چه آثار و تبعاتی به دنبال دارد؟ به عنوان مثال فرض کنید ما در بودجه خواهان افزایش درآمدهای مالیاتی هستیم اما فعلاًان اقتصادی که بخشی از مالیات دهندگان هستند در آن سال در فروش کالا و خدمات خود موفق نباشند. در این حالت ممکن است نتوان با اطمینان گفت این درآمدها حتماً حاصل می‌شود. حالا هر قدر احتمال برآورده شدن منابع پیش بینی شده در بودجه کمتر باشد به این معناست که ریسک تحقق آن افزایش خواهد یافت. پس یکی از ابعاد بررسی بودجه‌های سالانه، موضوع کارایی بودجه است، یعنی تحقق اعداد و ارقام موجود در بودجه چقدر دست یافتنی است؟ هر قدر اعداد و ارقام دست یافتنی‌تر باشد، بودجه نیز کارایی بیشتری خواهد داشت. موضوع بعدی که در ایران خیلی درباره آن کم بحث می‌شود، اثر بخشی بودجه است. به عنوان مثال، شما فرض کنید در لایحه‌بودجه ۱۴۰۰ حدود ۸۴۱ هزار میلیارد تومان بودجه بخش عمومی است که بیشتر مردم و حتی کارشناسان بودجه را به این بخش می‌شناسند. در حالی که یک عدد بزرگ‌تری برای شرکت‌های دولتی وجود دارد که وقتی ۸۴۱ هزار میلیارد تومان جمع می‌شود، کل سقف بودجه را تشکیل می‌دهد. اجازه دهید در ادامه گفت‌وگو به جای عبارت هزار میلیارد تومان از عبارت همت استفاده کنیم. اگر بودجه ۸۴۱ همتی را با دلار ۴۲۰۰ تومانی در نظر بگیریم، این بودجه تقریباً ۲۰۰ میلیارد دلار می‌شود، یعنی قرار است در سال ۱۴۰۰ حدود ۲۰۰ میلیارد دلار برای کشور در بخش بودجه عمومی هزینه شود. اثربخشی بودجه که ابتدا در کنار کارایی به آن اشاره کردم به این معناست که واقعا بعد از گذشت یک‌سال و هزینه شدن چنین رقمی، آیا چهره کشور متناسب با یک ۲۰۰ میلیارد دلار در راستای از بین رفتن فقر و افزایش رشد اقتصادی تغییر کرده‌است؟ یعنی با این ارقامی که طی سال‌های مختلف باعنوان بودجه صرف شده، کشور چقدر به سمت آبادانی رفته و احساس رفاه در میان مردم وجود دارد؟ هر قدر این احساس بیشتر شود، می‌توان بودجه را اثر بخش‌تر دانست. یعنی در گام اول باید دید بودجه و تحقق منابع آن چقدر ریسک دارند؟ چون ممکن است این منابع هیچ ریسکی نداشته‌باشد و ما بتوانیم

آن را به راحتی تأمین کنیم اما بعد دوم این است که از سولاتی که همیشه در لایحه‌بودجه مطرح است این‌که شرکت‌های دولتی تا چه حد به افزایش رفاه عمومی و کاهش فقر منجر شود؟ 🔗 **یکی از موضوعاتی که طی سال‌های اخیر همواره از آن به عنوان بخش مبهم و اصطلاحاً اتاق تاریک بودجه یاد می‌شود، بودجه شرکت‌های دولتی است. متأسفانه عدم بررسی بودجه این بخش در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ نیز به روشنی دیده می‌شود. درباره فرآیند درآمدزایی و هزینه‌کرد این شرکت‌ها بفرمایید.**

در لوايج بودجه، بحث بودجه شرکت‌های دولتی همواره در سایه قرار داشته‌است. بودجه‌ای که حدود ۱۵۶۱ همت پیش بینی شده‌است. شرکت‌های دولتی ممکن است از درآمدهای خودشان درآمد داشته‌باشند و از همین درآمدها هزینه کنند یکی از سولاتی که همیشه در لایحه‌بودجه مطرح است این‌که شرکت‌های دولتی تا چه حدی می‌توانند به بودجه کشور کمک کنند. اگر قرار است درآمدهای اینها صرف هزینه‌هایشان شود آیا بهتر نیست این شرکت‌ها تعطیل شوند؟ یکی از حوزه‌هایی که باید مجلس به آن ورود کند این است که شرکت‌های ناکارآمد کدام شرکت‌ها هستند. چرا

درآمدهای نفتی به ریال یکی از چالش‌های بودجه در کشور ماست که امسال به یکی از بحث‌های بزرگ تبدیل شده‌است. اگر چه دولت نرخ تسعیر ارز را در بودجه مشخص می‌کند اما این نرخ تسعیر واقعی نیست نرخ تسعیر واقعی به این مربوط است که چقدر ارز در بازار وجود داشته‌باشد در حالی که اگر چنین پیوستی وجود نداشته‌باشد ممکن است شما بگویید ۱۰هزار تومان یا ۴۰۰۰ تومان اما دلار در بازار آزاد قیمت خودش را خواهدداشت.

🔗 **رهبر معظم انقلاب در سال ۹۷ موضوع اصلاح ساختار بودجه را مطرح واز دولت و مجلس خواستند این موضوع را در اولویت کاری خود قرار دهند؛ اما متأسفانه تا کنون در این زمینه اتفاقی رخ نداده‌است. به نظراتان اصلاح ساختاری در بودجه ۱۴۰۰ دیده می‌شود؟**

اجازه دهید کمی صریح‌تر سخن بگویم. باید ابتدا که در بودجه پیش‌بینی می‌شود محقق نخواهدشد. پس یکی از منابع پیش‌بینی شده که می‌تواند دارای ریسک باشد درآمدهای مالیاتی است اما فرار مالیاتی با وضعیت رشد اقتصادی اجازه تحقق آن را نخواهد داد. علاوه بر درآمدهای مالیاتی، محل درآمدی دیگری که در لایحه‌بودجه ۱۴۰۰ پیش‌بینی شده فروش نفت است. درآمدهای نفتی از چند بابت دارای ریسک است. اگرچه قیمت هر بشکه نفت در بودجه ۱۴۰۰ حدود ۴۰ دلار پیش‌بینی شده که نسبت به ۵۰ دلار سال جاری دست یافتنی‌تر است اما علاوه بر قیمت نفت موضوع نرخ تسعیر ارز هم بسیار مهم است. اگر همین ۴۵ هزار بشکه‌نفت را که قرار است به صورت مستقیم صادر کنیم با قیمت ۴۰ دلار در نظر بگیریم، چیزی حدود ۱۰میلیارد دلار درآمد ارزی از این طریق خواهیم‌داشت که درآمد بسیاری است؛ لذا یکی از پاشنه آشیل‌های بودجه ما در سال ۱۴۰۰ این است که منابع ارزی و درآمدهای ارزی‌مان محدود هستند و اگر این درآمد برای واردات کالاهای اساسی تخصیص باید تقریباً معادل کالاهای اساسی است. از طرفی اگر درآمدهای ارزی کشور محدود باشد، قیمت ارز به ناچار افزایش خواهدیافت. لذا نیازمندیم کنار برنامه بودجه، یک برنامه دیگر تحت عنوان مصارف ارزی سالانه داشته‌باشیم تا بدانیم کل واردات کشور و کل نیازهای ارزی کشور چند میلیارد دلار است؛ چون طی سال‌های مختلف عددهای متفاوتی داشته‌ایم. به همین دلیلی بودجه باید یک پیوند ارزی داشته‌باشد، تحقق این امر نیازمند این است که ما با صادرکنندگان غیرنفتی تعامل خیلی خوبی داشته‌باشیم که آنها می‌توانند چقدر صادرات و ارزآوری داشته‌باشند. اگر چنین پیوست ارزی نداشته‌باشیم، نرخ تسعیر ارز نیز دچار چالش می‌شود که آیا نرخ تسعیر ارز را ۴۰۰۰ تومان یا ۱۱ هزار تومان یا بالاتر و پایین‌تر در نظر بگیریم. از آنجا که چنین نرخ تسعیر ارزی مشخص نیست، تبدیل

خصوصی‌سازی در عملکرد انحراف داشته‌باشد بودجه اصلاح نشده‌است. اجازه بدهید برای فهم بهتر این موضوع یک مثال ساده بزنم. فرض کنید پدر خانواده اول هر سال به بچه‌ها می‌گوید شما چه انتظاری از من دارید؟ یکی از فرزندان می‌گوید من یک دوچرخه و یکی دیگر از فرزندان خانواده می‌گوید من یک لپ‌تاپ می‌خواهم. مادر خانواده هم می‌گوید می‌خواهم طی سال جدید چند مهمانی برگزار کنم و... وقتی همه این هزینه‌ها با هم جمع‌آوری شد یک عددی می‌شود. در مرحله بعد سراغ این می‌رویم که این منابع را باید از کجا تأمین کنیم؟ یک زمانی پدر خانواده یک کارمند رده بالا با درآمد بالاست که طبیعتاً می‌تواند به نیازهای همه اعضای خانواده پاسخ دهد؛ اما یک زمانی است که پدر خانواده آنقدر درآمد ندارد بلکه می‌گوید از یکی از اقوام یا همسایگان قرض می‌گیریم.

یکی از راه‌ها این است که نیازهای اعضای خانواده را مجدد بررسی کنیم و ببینیم باید چند درصد از این نیازها حتماً تأمین شود؛ درواقع پدر خانواده باید در نیازها و هزینه‌ها تعدیل ایجاد کند. راه دیگر این است که یکی از فرزندان خانواده به پدر می‌گوید مقداری از منابع را در اختیار من بگذار تا فعالیت شرکت‌های دولتی تغییر نکند اصلاح ساختار فعالیت کسب‌کنم تا بخشی از نیازهای خانواده از این طریق تأمین شود. حالا فرض کنید پدر خانواده در سال‌های گذشته این کار را کرده اما پسر خانواده هرسال نه تنها سودی ایجاد نکرده بلکه با ضرر و زیان مواجه شده است. شرکت‌های دولتی در اینجا همان پسر خانواده هستند. پس تا زمانی که رفتار شرکت‌های دولتی تغییر نکند اصلاح ساختار بودجه‌ای نیز رخ نداده است. شما باید بررسی کنید چرا پسر خانواده به نام درآمدزایی منابع خانواده را گرفته اما نه تنها درآمدزایی نداشته بلکه خانواده را متضرر کرده است. برای اصلاح ساختار بودجه نباید این اعداد را ریز یا درشت کنیم بلکه باید هم رفتار پسر خانواده را که می‌گفت درآمدزایی می‌کنم اما این کار را نکرد تغییر داد و هم باید انتظاری را که فرزند دیگر خانواده دارد که در سال آینده باید لپ‌تاپ یا دوچرخه برایش خریده شود اصلاح کرد. باید دنبال این باشیم که ارز بیشتری وارد کشور شود تا از این طریق نرخ ارز بالا نرود وگرنه اگر بخواهیم با ایجاد محدودیت در بازار ارز نرخ آن را کنترل کنیم این در جای دیگری - یعنی نرخ ارز در بازار آزاد- خودش را نشان می‌دهد. در واقع اگر اصلاح ساختاری را محدود کنیم به این کاغذها یعنی لایحه بودجه و به فضای اقتصادی تحرک اقتصادی لازم را ایجاد نکنیم، اصلاح ساختار بودجه صورت نخواهد گرفت.

🔗 **شما در شرایط حساس اوایل دهه ۹۰ در راس وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت قرار داشتید. طبیعتاً**

در این حوزه تجربه بسیار بالایی دارید ضمن این‌که بخشی از دورزدن تحریم‌ها در آن مقطع برعهده وزارتخانه متبوع شما بود. تحلیل‌تان از آشفتگی بازار و افزایش قیمت‌ها و نقش تحریم‌ها در این نابسامانی به‌خصوص در ماه‌های اخیر چیست؟

ما در این ماه‌ها چند نوع افزایش قیمت داشته‌ایم. بنابراین ابتدا اجازه دهید این افزایش قیمت‌ها از هم تفکیک شده و نام مشخصی روی این افزایش قیمت‌ها بگذاریم. یکی از آنها، افزایش قیمت هیجانی بوده که درباره مرغ، تخم‌مرغ، روغن و... داشته‌ایم که یک افزایش جهشی بود و مدتی مردم را در صف نگه داشت و دوباره به حالت قبل برگشت. یک افزایش قیمت نیز ناشی از تورم داریم که این افزایش قیمت پایدار می‌ماند یعنی دیگر به قیمت قبل بازمی‌گردد. موضوع بعدی هم گرانیروشی است. این سه نوع افزایش قیمت گاهی با هم خلط می‌شود. وقتی قیمت ارز بالا می‌رود تمام کالاهایی که اصطلاحاً تجارت‌پذیر است به‌تدریج و متناسب با افزایش نرخ ارز گران می‌شود. افزایش متناسب با نرخ ارز هم به این دلیل است که با ورودی‌های

این کالاها ارزی است یا این‌که کالاهایی است که قدرت فروش در خارج از ایران را دارد. برای مثال ممکن است بگویید کالایی مثل پسته هم کود و هم آب مورد نیاز آن داخلی و تمام هزینه‌های تولید آن ریالی است و اصلاً ارتباطی به ارز ندارد اما چون این کالا قابلیت صادرات دارد پس این کالا به‌تدریج خودش را با نرخ ارز تعدیل می‌کند. لذا وقتی قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند قیمت برخی از کالاها مانند طلا، موبایل، خودروی خارجی و... فوراً و برخی از کالاها با یک فاصله زمانی و برخی دیگر از کالاها با یک فاصله زمانی بیشتر افزایش یافته و خودشان را با این موضوع تنظیم می‌کند. البته افزایش نرخ ارز هم دلایلی دارد که بخشی از این افزایش قیمت ناشی از تحریم‌ها و بخش مهم‌تری ناشی از سوءمدیریت است.

🔗 **افزایش قیمت کالاهایی مانند مرغ، تخم‌مرغ، روغن و... که در هفته‌های اخیر شاهد آن بودیم، واقعا ارتباطی به تحریم‌ها دارد؟**

افزایش قیمت‌های هیجانی که در ماه‌های اخیر در برخی از کالاها شاهد آن بودیم و اتفاقاً جو روانی سنگینی را در جامعه ایجاد کرد اصلاً به تحریم‌ها ربطی نداشت و ندارد. تحریم‌ها می‌خواست سه کار را با اقتصاد ایران انجام دهد. کار اول این بود که مانع خرید و فروش کالا شود، یعنی بنگاه خارجی به طرف ایرانی بگوید حتی اگر ۱۰ برابر پول کالا را هم بدهی به شما کالا نمی‌فروشم. کار دوم این بود که بانک‌ها جابه‌جایی پول ما را انجام ندهند، طرف فروشنده است اما بانک پول را جابه‌جا نمی‌کند.

کار سوم این بود که سیستم حمل‌ونقل بین‌المللی این کالاها را جابه‌جا نکند یعنی ما کالا را خریداری کرده و از طرق مختلف پول آن را هم پرداخت کردیم اما سیستم حمل‌ونقل بین‌المللی این کار را انجام نمی‌دهد. حالا در نظر بگیرید وقتی کتجاله و نهاده‌های دامی با عبور از هر سه مانع موجود به گمرک کشور می‌آید اما ما اجازه ترخیص به آن نمی‌دهیم این موضوع قطعاً هیچ ارتباطی با تحریم‌ها ندارد و کاملاً به تصمیمات داخلی مربوط است. اگر به تحریم‌ها ربط داشت اصولاً این کتجاله و نهاده‌ها نباید به گمرک ما می‌رسید. اما در کمال تعجب می‌بینیم از سه فشار و مانع اصلی که تحریم‌ها می‌خواستند بر سر هر ورود کالا به کشور ایجاد کنند گذر کرده اما در گمرک ایران به‌دلیل ناهماهنگی‌های موجود گرفتار شده و ترخیص نمی‌شود. خب در اینجا مرغدار جوجه‌ریزی نمی‌کند و قیمت آن به صورت جهشی افزایش می‌یابد که از التهاب و هیجانی شدن بازار ایجاد می‌شود و ریشه در تصمیمات داخلی دارد و اصلاً ربطی به تحریم‌ها ندارد. درباره افزایش قیمت ارز که منجر

به افزایش قیمت کالاها می‌شود نیز دو حالت وجود دارد؛ زمانی است که ارز نمی‌تواند وارد کشور شود خب به‌طور طبیعی در این حالت تحریم‌ها مقصر هستند اما یک زمانی است که صادرکنندگان اگر تسهیلات و انگیزه‌های کافی برایشان ایجاد کنید ارزشان را داخل کشور می‌آورند این برعهده بانک مرکزی است که سیاست‌های دوران تحریمی را به‌گونه‌ای تسهیل کند که صادرکننده به ورود ارز به داخل کشور تشویق شود. اما متأسفانه برخورد قهری با صادرکنندگان از آن سیاست‌های اشتباهی است که می‌تواند تبعات بسیار بدی داشته باشد. افزایش نرخ ارز تحت تأثیر این سیاست‌ها ناشی از تحریم‌ها نیست بلکه به این خاطر است که ما می‌خواهیم پیمان‌سپاری ارزی را احیا کنیم، در حالی‌که صادرکنندگان نه امروز بلکه در هیچ دولتی زیر بار این موضوع نرفته‌اند. در واقع باید گفت سیاستی که در شرایط تحریمی طرف صادرکنندگان را نگیرد، خودزنی است. در حالی که به‌شدت نیاز داریم صادرکننده، از خود را وارد بازار کند، مانع ایجاد می‌کنیم. وقتی تعداد این مانع‌ها زیاد شود یا صادرات کالا قطع یا آن ارز زیرزمینی می‌شود و این مسائل منجر به برنده شدن تحریم‌ها می‌شود. ما در واقع یاران به‌درد بخوری در شرایط تحریمی داریم که قدر آنها را نمی‌دانیم و به اندک کج‌سلیقگی که از آنها می‌بینیم یا در ما وجود دارد آسیب می‌بینیم. آنها صادرکنندگانند و در واقع صادرکنندگان، افسران مبارزه با میدان تحریم هستند. 🔗